



## بنام آنکه جان را فکرت آموخت

متن و ترجمه عربی دهم تجربی و ریاضی- تهیه و تنظیم: سیدعزت عمید

### الذَّيْنِ الْأَوَّلُ (درس اول)

ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ . او همان خداست.

أَنْظُرُ لِنَيْلِكَ الشَّجَرَةَ      ذَاتِ الْعُصُونِ النَّصِيرَةَ

به آن درخت دارای شاخه های تر و تازه نگاه کن .

كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ      وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً

چگونه ازدانه ای رشد کرد و چگونه درختی شد ؟

فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي      يُخْرِجُ مِنْهَا النَّمْرَةَ

پس جستجو کن و بگو چه کسی از آن میوه بیرون می آورد (پدید می آورد)؟

وَ أَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي      جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً

و به خورشیدی که پاره آتش آن فروزان است نگاه کن.

فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا      حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ

نور و روشنی در آن است و به وسیله آن ، گرما و حرارت پراکنده است.

مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا      فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ

چه کسی آن را در فضا مانند اخگر و پاره آتش پدید آورده است؟

ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي      أَنْعَمَ مِنْهُمْ لَهُ

او همان خداوندی است که نعمتهایش ریزان و روان است.

ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَمَةِ      وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ

دارای حکمت و تدبیری کامل و نیروی توانمند است.

أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ      أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ

به شب نگاه کن پس چه کسی ماهش را در آن پدید آورد ؟

وَ زَانَهُ بِالنَّجْمِ      كَالذَّرْرِ الْمُنْتَشِرَةِ

و آن (شب) را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داد؟

وَ أَنْظُرْ إِلَى الْعِيمِ فَمَنْ      أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

و به ابر نگاه کن پس چه کسی از آن بارانش را نازل کرد؟



## الدَّرْسُ الثَّانِي (درس دوم)

أَمْوَاعُ الْعَدَدِيَّةِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ). بِنْدَاهَا وَنِصَايِحِ شِمَارِشِي (عَدَدِي) مِنْ رَسَائِلِ خَدَا (ص)

الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ: ظَلَمْتُ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ، وَظَلَمْتُ يَغْفِرُهُ، وَظَلَمْتُ لَا يَتْرُكُهُ. فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَالشَّرْكَ. قَالَ اللَّهُ: (إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ)

ظلم سه (نوع) است: ظلمی که خدا آنرا نمی بخشاید، و ظلمی که آنرا می بخشاید و ظلمی که آن را ترک نمی کند. و اما ظلمی که خداوند آنرا نمی بخشاید، شرک است. خداوند فرمود: ﴿ قَطْعًا شَرِكٌ ظَلَمٌ بِزُرْكَی اسْت ﴾

وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ، فَظَلَمْتُ الْإِبَادِ انْفُسَهُمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ رَبِّهِمْ، وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَتْرُكُهُ اللَّهُ، فَظَلَمْتُ الْإِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا.

و اما ظلمی که خداوند آنرا می بخشاید، ظلم بندگان بر خودشان نسبت به آنچه میان آنها و خدایشان است، و اما ظلمی که خداوند آنرا ترک نمی کند، ظلم بندگان به یکدیگر است.

سَبْعٌ يَجْرِي لِلْعَبِيدِ أَجْرُهُنَّ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، أَوْ أَجَرَ نَهْرًا، أَوْ حَفَرَ بِنْرًا، أَوْ غَرَسَ نَخْلًا، أَوْ بَنَى مَسْجِدًا، أَوْ وَرَّثَ مُصْحَفًا، أَوْ تَرَكَ وَلَدًا يَسْتَعْرِزُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.

هفت (چیز) بعد از آنکه انسان در قبرش باشد ثوابش برای او جاری می گردد: کسی که دانشی را (به دیگران) یاد داده است (آموخته است). آب نهری را جاری ساخته است. چاهی را کنده است یا نخلی را کاشته است یا مسجدی را ساخته است یا مصحفی (قرآن مکتوب) را به ارث گذاشته است یا فرزندی را به جای گذاشته است که بعد از مرگش برایش طلب آمرزش می کند.

جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِنْهُ جُزْءٌ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ جُزْءًا وَأَنْزَلَ جُزْءًا وَاحِدًا، فَمِنْ ذَلِكَ الْجُزْءِ يَتَرَاخُمُ الْخَلْقُ.

خداوند برای رحمت صد جزء قرار داد و ۹۹ جزء را نزد خود نگاهداشت و یک جزء به زمین فرو فرستاد و از آن یک جزء بشر به همدیگر رحم می کنند.

إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ، وَ طَعَامَ الْإِثْنَيْنِ يَكْفِي الثَّلَاثَةَ وَالْأَرْبَعَةَ، كُلُّوْا جَمِيعًا وَ لَا تَفْرُقُوا، فَإِنَّ الْبِرْكَةَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.

براستی یک غذا برای دو نفر کافی می باشد و دو غذا برای سه و چهار نفر کافی می باشد، همگی بخورید و پراکنده نشوید، و مسلماً برکت همراه با جماعت است.

إِثْنَانِ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ وَ ثَلَاثَةٌ خَيْرٌ مِنْ اثْنَيْنِ وَأَرْبَعَةٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ؛ فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ.

دو بهتر از یک است و سه بهتر از دو است و چهار بهتر از سه است؛ و شما با جماعت باشید.

مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، ظَهَرَتْ يَنَابِغُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.

هرکس چهل صبح برای خدا إخلاص ورزد، سرچشمه های حکمت و دانش از قلبش بر زبانش جاری گردد.

أَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَ الْوَجَعُ وَ الْعَدَاوَةُ وَ النَّارُ.

چهار (چیز) اندکش زیاد است: تنگدستی و درد و دشمنی (کینه ورزی) و آتش (جهنم)

الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ. عِبَادَةُ دَهْ جُزْءٍ اسْتِ كَهْ تُهْ (۹) جُزْءٍ فِي طَلَبِ (رُوزِي) حَلَالِ اسْتِ.

اِذَا كَانَ اثْنَانِ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلُ بَيْنَهُمَا. هِرْكَاهُ دُو (نَفَر) بِأَهْمِ رَازِ مِي كُوبِنْدِ (دَر كُوشِي نَجْوَا مِي كُنند)، مِيانِ آنِ دُو وَارِدِ نشو.



گردباد شدیدی اتفاق می افتد ماهی ها را با قدرت به آسمان می کشد و آنها را به محلی دور می کشانند و وقتی سرعتش را از دست می دهد ماهیها بر روی زمین می افتند.

يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهُندُوراسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمَوْنَهُ ( مَهْرَجَانَ مَطَرِ السَّمَكَ ) .فَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ.  
(الْبَقَرَةُ ٢٢)

مردم هندوراس سالانه این روز را جشن می گیرند و آن را « جشنواره ی باران ماهی می نامند» و(خداوند) از آسمان آبی را فرو فرستاد و به وسیله ی آن از میوه ها رزق و روزی را برای شما خارج کرد.

### الدَّرْسُ الرَّابِعُ (درس چهارم)

التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ (همزیستی مسالمت آمیز)

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَانِمَةً عَلَى أُسَاسِ الْمُنَاطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:

قطعا پیام اسلام درگذر زمانها براساس منطق و دوری از هر بدی استوار بوده است. و براسستی خداوند می فرماید.

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ فَصَلَّتْ : ٣٤

خوبی و بدی یکسان نمی باشد تو آن را با بهترین روش دفع کن پس آنگاه (می بینی)کسی که بین تو و او دشمنی هست گویی یک دوست گرم و صمیمی است .

إِنَّ الْفَرَانَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسْبُؤُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ

همانا قران به مسلمانان امر می کند که خدایان مشرکان و کافران را دشنام ندهند.

فَهُوَ يَقُولُ: وَلَا تَسْبُؤُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُؤُوا اللَّهَ... ﴿الْأَنْعَامُ ١٠٨﴾

وآن (قران) می فرماید: کسانی را که به غیرمی خوانند(دعوت می کنند) دشنام ندهیددر نتیجه آنها (کافران به نادانی) خدا را دشنام می دهند.

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْأَلَهِيَّةَ؛ (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا) أَنْ عِمْرَانَ ٦٤

اسلام ادیان الهی را محترم می شمارد،(ای پیامبر) بگوای اهل کتاب (یهود و نصاری) بیابیداز کلمه ای که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم فقط خدا را عبادت کنیم و چیزی را برای او شریک قرار ندهیم.

يُؤَكِّدُ الْفَرَانُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾ الْبَقَرَةُ ٢٥٦

قران بر آزادی عقیده تاکید می کند. هیچ اجباری در دین نیست.

لَا يَجُوزُ الْأَصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَاشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا، مَعَ اخْتِطَافِ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ ﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ الرَّوْمُ ٣٢

پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی را جایز نمی داند، به خاطر اینکه کسی از آن سود نمی برد، بر همه مردم واجب است که هر کدام با حفظ عقاید خود با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز کنند. به خاطر اینکه هر حزب و گروهی به آنچه نزد خود دارند خوشحالند.

الْبِلَادُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.

کشورهای اسلامی مجموعه ای از ملت‌های متعدد هستند. در زبانهای خود و رنگ‌هایشان متفاوت می باشند .

قال الله تَعَالَى: خداوند بزرگ می فرماید:

برای پیوستن به  
کانال ما



کلیک کنید



﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ الْحُجُرَات ١٣

ای مردم ما شما را از یک مرد وزن آفریدیم و شما را ملتها و قبيله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید قطعا گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شما ست.

فَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وبيامير خدا (ص) فرموده است

(يا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ؛ أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ إِلَّا بِالتَّقْوَى) (

ای مردم بدانید که خدای شما یکی است و پدرتان یکی است قطعا نه هیچ عربی بر غیر عرب برتری دارد و نه هیچ غیر عربی بر عرب نه هیچ سیاهی بر سرخ و نه هیچ سرخی بر سیاه مگر با تقوی و پرهیز گاری.

يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ. ﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ آل عمران ١٠٣

قران ما را به وحدت و یکپارچگی دعوت می کند . و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید.

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْأِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ.

یکپارچگی امت اسلامی در شکلهای زیادی جلوه گر می شود. از جمله جمع شدن مسلمانان در یک محل در حج .

الْمُسْلِمُونَ خُمُسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مَسَاحَةٍ وَسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصِّينِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

یک پنجم ساکنان جهان مسلمانان هستند در پهنای گسترده ای از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می کنند.

قَالَ الْأَمَامُ الْخَمِينِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ...: إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلِمًا يَفْرُقُ الْمُسْلِمِينَ، فَأَعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ بَثَّ الْخِلَافِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ.

امام خمینی که خدا رحمتش کند فرمود: هر گاه کسی سخنی بگوید که مسلمانان را پراکنده سازد. پس بدانید که وی نادان است یا دانایی است که برای گسترش اختلاف در بین صفوف مسلمانان تلاش می کند.

وَ قَالَ قَانِدْنَا آيَةَ اللَّهِ الْخَامِنِيَّةِ: وَرَهْرِمَانِ آيَةِ اللَّهِ خَامِنَةَ إِذِ فَرَمُودُنَا:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

هر کس از شما شخصی را ببیند که به تفرقه دعوت می کند پس وی مزدور دشمن است.

### الدَّرْسُ الْخَامِسُ (درس پنجم)

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ لقمان ١١ \* (این خلقت خداوند است) \*

الْقَوَاصِدُ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لِيَلْأَ، شَاهَدُوا مَنَاتِ الْمَصَابِيحِ الْكَهْرَبَانِيَّةِ ذَاتِ الْأَوَانِ مُتَعَدِّدَةِ الَّتِي يَنْبَعُثُ ضَوْؤُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضْيِنَةِ،

غواص هایی که شبانه به اعماق اقیانوس رفتند ، صداها چراغ برقی با رنگ های مختلف (رنگارنگ ) را مشاهده کردند که نورشان از ماهی های نورانی فرستاده می شود .

وَ تَحَوَّلَ ظِلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْقَوَاصِدُ التَّقَاطُ صُورِ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ.

و تاریکی دریا را به روزی روشن تبدیل می کند که غواص ها در آن می توانند در نور این ماهی ها عکس بگیرند.

اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَتَّبَعُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضْيِنَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عُيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ.

دانشمندان کشف کردند که این نورها از نوعی باکتری نورانی فرستاده می شود که زیر چشمان آن ماهی ها زندگی می کند .



هَلْ يُمْكِنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، وَيَسْتَعِينَ بِالْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟

آیا امکان دارد که بشر روزی از این معجزه ی دریایی استفاده کند. و از باکتری نورانی برای روشن کردن شهرها کمک بگیرد.

رَبُّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، لِأَنَّهُ (مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَ وَجَدَ)

چه بسا بتواند ، زیرا " هر کس چیزی را خواست ( بخواهد ) و تلاش کرد ، یافت . ( زیرا " هر کس چیزی را بخواهد و تلاش کند ، می یابد . )

إِنَّ لِسَانَ الْقَطْرِ سِلَاحَ طَبِيِّ دَائِمٍ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدَدٍ تَفْرُزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا، فَيَلْعَقُ الْفُطْرَ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمَسَ.

قطعاً زبان گربه سلاح دائمی است ؛ زیرا آن پر از غده هایی است که مایعی پاک کننده ترشح می کند ، پس گربه چندین مرتبه زخمش را می لیسد تا زخمش بهبود یابد .

إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَالْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بَغْرِيزَاتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّيْبَةَ وَتَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمَلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ لِلْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛ وَقَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّيْبَةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَغَيْرِهَا.

قطعاً بعضی از پرند ه ها و حیوانات بنا به طبیعتشان گیاهان دارویی را می شناسند . و می دانند چگونه گیاه مناسب را برای پیشگیری از بیماری های مختلف بکار گیرند ؛ و این حیوانات انسان را به خواص درمانی بسیاری از گیاهان صحرائی و مانند آن راهنمایی کرده اند .

إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِللُّغَةِ خَاصَّةً بِهَا، تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا،

قطعاً اغلب حیوانات علاوه بر داشتن زبانی مخصوص به خود ؛ زبان عمومی دیگری دارند که به واسطه آن می توانند با همدیگر به تفاهم برسند،

فَلِغُرَابٍ صَوْتٌ يَحْذِرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعًا عَنِ مَنطِقَةِ الْخَطَرِ، فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ.

پس کلاغ صدایی دارد که به وسیله آن به سایر حیوانات هشدار می دهد تا به سرعت از منطقه خطر دور شوند . پس آن مانند جاسوسی از جاسوس های جنگل است .

لِلبِطِّ خِزَانَاتٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ أَدْنَابِهَا تَحْتَوِي زَيْتًا خَاصًّا يَنْتَشِرُ عَلَى أَجْسَادِهَا فَلَا تَتَأَثَّرُ بِالْمَاءِ.

اردک نزدیک دم هایش انبارهای طبیعی دارد که روغن خاصی را در بر دارد که بر بدنهایشان (اجسامشان) پخش می شود پس تحت تأثیر آب قرار نمی گیرد .

تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي أَتْجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تَحْرِكَ رَأْسَهَا وَهِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي أَتْجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

آفتاب پرست می تواند چشمانش را به جهت های مختلف بچرخاند بدون آنکه سرش را حرکت دهد و آن می تواند همزمان دو طرف را ببیند.

لَا تَحْرَكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلِكِنِّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ وَتَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا دَائِرَةً كَامِلَةً دُونَ أَنْ تُحْرِكَ جِسْمَهَا.

چشم جغد حرکت نمی کند ، و آن ثابت است ، اما او این نقص را با حرکت دادن سرش به هر جهتی جبران می کند و می تواند که سرش را کاملاً بچرخاند بدون این که جسمش را حرکت دهد .



## الدَّرْسُ السَّادِسُ (درس ششم)

### ذوالقرنین (ذوالقرنین)

كَانَ فِي قَدِيمِ الزَّمَانِ مَلِكٌ عَادِلٌ مَوْحِدٌ يُسَمَّى بِذِي الْقُرْنَيْنِ قَدْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُوَّةَ وَالْعِظَمَةَ؛

در زمان قدیم پادشاه عادل و یکتاپرستی بود که ذوالقرنین نامیده می شد و خداوند به او قدرت و شکوه عطا کرده بود،

كَانَ ذَوَالْقُرْنَيْنِ يَحْكُمُ مَنَاطِقَ وَسِعَةً مِنَ الْأَرْضِ شَرْقًا وَ غَرْبًا وَ شَمَالًا.

ذوالقرنین بر مناطق وسیعی از زمین، شرق و غرب و شمال حکومت می کرد.

ذَكَرَ اسْمُهُ وَ أَعْمَالُهُ الصَّالِحَةَ بَعْدَهُ آيَاتٍ فِي الْقُرْآنِ. نَامُ وَكَارِهَاتِ شَائِسْتَه اش در تعدادی از آیات قرآن بیان شده است.

لَمَّا اسْتَقَرَّتْ الْأَوْضَاعُ لِذِي الْقُرْنَيْنِ فِي بِلَادِهِ، سَارَ بِجُيُوشِهِ الْعَظِيمَةِ نَحْوَ الْمَنَاطِقِ الْغَرْبِيَّةِ مِنَ الْأَرْضِ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ مُحَارَبَةِ الظُّلْمِ وَ الْفُسَادِ.

وقتی شرایط برای ذوالقرنین در کشورش استقرار یافت، با سپاهیان و لشکر باشکوهش به سمت مناطق غربی زمین حرکت کرد در حالی که مردم را به سوی یکتاپرستی و مبارزه با ظلم و فساد فرامی خواند.

فَكَانَ النَّاسُ يُرْجَوْنَ بِهِ فِي مَسِيرِهِ بِسَبَبِ عَدْلَتِهِ، وَ يَطْلُبُونَ مِنْهُ أَنْ يَحْكُمَ وَ يُدِيرَ شُؤْنَهُمْ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى مَنَاطِقٍ فِيهَا مُسْتَقْفَعَاتٌ مِيَاهُهَا ذَاتُ رَائِحَةٍ كَرِيهَةٍ.

مردم در مسیر حرکتش به علت عدالتش به او خوشامد می گفتند و از اومی خواستند که حکمرانی کند و کارهایشان را اداره کند، تا اینکه به مناطقی رسید که در آن مرداب هایی بود که آب هایش دارای بویی ناپسند بودند (آبهایش بوی بدی داشت)

وَ وَجَدَ قُرْبَ هَذِهِ الْمُسْتَقْفَعَاتِ قَوْمًا مِنْهُمْ فَاسِدُونَ وَ مِنْهُمْ صَالِحُونَ .

و نزدیک این باتلاق هامردمی را یافت (دید) که برخی از آنان تبهکار و فاسد و برخی درستکار بودند.

فَخَاطَبَهُ اللَّهُ فِي شَأْنِهِمْ وَ خَيْرَهُ فِي مُحَارَبَةِ الْمُشْرِكِينَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ أَوْ إِصْلَاحِهِمْ وَ هِدَايَتِهِمْ.

پس خداوند در مورد آنها او را مورد خطاب قرار داد و به او در جنگ با مشرکان فاسد از آنها یا اصلاح و هدایتشان اختیار داد.

فَأَخْتَارَ ذَوَالْقُرْنَيْنِ هِدَايَتَهُمْ وَ دَعْوَتَهُمْ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ.

ذوالقرنین هدایت و دعوت آنها را به یکتاپرستی و ایمان به خداوند برگزید.

فَحَكَمَهُمْ بِالْعَدَالَةِ وَ أَصْلَحَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ وَ دَبَّرَ شُؤْنَهُمْ.

پس با عدالت بر آنها حکومت کرد و فاسدین آنها را اصلاح کرد و کارهایشان را اداره کرد.

ثُمَّ سَارَ بِجُيُوشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ، فَأَطَاعَهُ كَثِيرٌ مِنَ الْأُمَمِ وَ اسْتَقْبَلُوهُ لِعَدْلَتِهِ وَ هَيْبَتِهِ،

سپس با سپاهیانش به سمت شرق حرکت کرد. و بسیاری از امت ها از او اطاعت کردند و بخاطر عدالت و شکوهش از او استقبال کردند

حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ غَيْرِ مُتَمَدِّنِينَ يَعِيشُونَ عَيْشَةً بَدَانِيَّةً، فَدَعَاهُمْ لِإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ حَكَمَهُمْ حَتَّى هَدَاهُمْ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ أَصْلَحَ حَيَاتَهُمْ وَ عَلَّمَهُمْ كَيْفَ يَعِيشُونَ.

تا اینکه به قومی غیر متمدن رسید که کاملاً بدوی و ابتدایی زندگی می کردند، پس آنها را به ایمان به خدا دعوت کرد و بر آنان حکمرانی کرد تا اینکه آنها را به راه راست هدایت کرد و زندگی آنها را اصلاح کرد و به آنها یاد داد که چگونه زندگی کنند.



وَبَعْدَ ذَلِكَ سَارَ نَحْوَ الشَّمَالِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ يَسْكُنُونَ قُرْبَ مَضِيقٍ بَيْنَ جَبَلَيْنِ مُرْتَفِعَيْنِ،  
وبعد از آن به سمت شمال حرکت کرد، تا اینکه به قومی رسید که نزدیک تنگه ای بین دوکوه بلند زندگی می کردند،  
فَرَأَى هَوْلَاءِ الْقَوْمِ عَظْمَةً جَيْشِهِ وَ أَعْمَالَهُ الصَّالِحَةَ فَاعْتَمُوا الْفُرْصَةَ مِنْ وُصُولِهِ؛  
و این قوم عظمت سپاه وی و کارهای شایسته اش را دیدند و از (لحظه) رسیدن وی فرصت را غنیمت شمردند،  
لِأَنَّهُمْ كَانُوا فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ مِنْ قَبِيلَتَيْنِ وَحَشِيَّتَيْنِ تَسْكُنَانِ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ؛  
زیرا از دو قبیله ی وحشی که پشت آن کوهها زندگی می کردند در رنج و عذاب شدیدی بودند.  
فَقَالُوا لَهُ: إِنَّ رِجَالَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ مُفْسِدُونَ بَهْجُمُونَ عَلَيْنَا بَيْنَ الْحَيِّينِ وَ الْآخِرِ مِنْ هَذَا الْمَضِيقِ؛  
سپس به او گفتند: مردان این دو قبیله فاسد هستند هر از گاهی از این تنگه به ما حمله می کنند،  
فَيَخْرَبُونَ بُيُوتَنَا وَ يَنْهَبُونَ أَمْوَالَنَا، وَ هَاتَانِ الْقَبِيلَتَانِ هُمَا يَأْجُوجُ وَ مَاجُوجُ.  
و خانه های ما را خراب می کنند و اموال ما را غارت می کنند، و این دو قبیله همان «یاجوج و ماجوج» هستند.  
لِذَا طَلَبُوا مِنْهُ الْمُسَاعَدَةَ وَ قَالُوا لَهُ: نَرْجُو مِنْكَ إِغْلَاقَ هَذَا الْمَضِيقِ بِسَدِّ عَظِيمٍ،  
به همین دلیل از او کمک خواستند و به او گفتند: از تومی خواهیم که این تنگه را با سد بزرگی ببندی،  
حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ الْعَدُوُّ أَنْ يَهْجُمَ عَلَيْنَا مِنْهُ؛ وَ نَحْنُ نُسَاعِدُكَ فِي عَمَلِكَ هَذَا؛  
تا دشمن نتواند از آنجا به ما حمله کند و ما در این کارت به تو کمک می کنیم،  
بَعْدَ ذَلِكَ جَاوَأُوا لَهُ بِهَدَايَا كَثِيرَةٍ، فَرَفَضَهَا ذَوَالْقَرْنَيْنِ وَ قَالَ: عَطَاءُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَطَاءِ غَيْرِهِ،  
بعد از آن با هدایای زیادی نزد او آمدند، و ذوالقرنین آنها را نپذیرفت و گفت: بخشش خداوند بهتر از بخشش غیر اوست،  
وَ أَطْلَبُ مِنْكُمْ أَنْ تُسَاعِدُونِي فِي بِنَاءِ هَذَا السَّدِّ. فَرِحَ النَّاسُ لِذَلِكَ كَثِيرًا.  
و از شمامی خواهم که در ساختن این سد به من کمک کنید. مردم بخاطر آن خیلی خوشحال شدند.  
أَمَرَهُمْ ذَوَالْقَرْنَيْنِ بِأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَ النُّحَاسِ،  
ذوالقرنین به آنها دستور داد که آهن و مس بیاورند،  
فَوَضَعَهُ فِي ذَلِكَ الْمَضِيقِ وَ أَشْعَلُوا النَّارَ حَتَّى ذَابَ النُّحَاسُ وَ دَخَلَ بَيْنَ الْأَحْدِيدِ،  
سپس آن (مس) را در آن تنگه قرار داد و آتش را روشن کردند تا اینکه مس ذوب شد و در میان آهن وارد شد،  
فَأَصْبَحَ سَدًّا قَوِيًّا أَمَامَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ، فَشَكَرَ الْقَوْمُ الْمَلِكَ الصَّالِحَ عَلَى عَمَلِهِ هَذَا، وَ تَخَلَّصُوا مِنْ قَبِيلَتِي يَأْجُوجُ وَ مَاجُوجُ.  
و سد محکمی مقابل این دو قبیله شد، پس مردم از فرمانروای درستکار بخاطر این کارش تشکر کردند، و از دو قبیله یاجوج و ماجوج  
رهایی یافتند.  
وَ شَكَرَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ رَبَّهُ عَلَى نَجَاحِهِ فِي فِتْنَتِهِ.  
و ذوالقرنین از پروردگارش بخاطر موفقیت او در پیروزی هایش سپاسگزاری کرد.  
نَفَهُمْ مِنْ هَذِهِ الْقِصَّةِ أَنَّ الْحُكَّامَ الصَّالِحِينَ الْعَادِلِينَ مَحْبُوبُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ.





از این داستان می فهمیم که حاکمان شایسته ی عادل ، نزد خدا و مردم محبوب هستند.

### الدُّرُسُ السَّابِعُ (درس هفتم)

يا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَابِيهِ أَيَّ أَنْكَهَ شَكَّتِي هَائِشِ دَرْدِيَاهَا سَت.

مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ اَز دُعَايِ جَوْشَنِ كَبِيرِ

يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَأِيَهُ رَأِيَهُ عَنِ الدُّلْفَيْنِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَانًا مِنَ الْغَرَقِ، وَ أَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ.

اعضای خانواده فیلم جالبی از دلفین می بینند که انسانی را از غرق شدن نجات داده و او را به ساحل رسانده است.

حَامِدٌ : لَا أَصَدِّقُ؛ هَذَا أَمْرٌ عَجِيبٌ. يُحَيِّزُنِي جِدًّا. حَامِدٌ: بَاوَرْنَمِي كُنْم، اَيْنِ كَارِ شَكَّتِ اَنْگِيزِي اَسْت. خِيَلِي مَرَا مَتْحَيَّرَمِي كَنْد.

الأبُ : يَا وَدَي، لَيْسَ عَجِيبًا، لِأَنَّ الدُّلْفَيْنِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ.

پدر: ای فرزندم (پسر) عجیب نیست، زیرا دلفین دوست انسان در دریاهاست.

صَادِقٌ : تَصَدِّقُهُ صَعْبٌ يَا أَبِي، عَرَفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِيقِ. صَادِقٌ: بَاوَرَشِ سَخْتِ اَسْت؟! اِي پَدْرَم، مَار اِي اَيْنِ دَوْسْتِ اَشْنَاگَرْدَانِ.

الأبُ : لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ،

پدر: او حافظه ای قوی دارد، و شنوائیش ده برابر برتر از شنوایی انسان می باشد.

وَ وَزْنُهُ يَبْلُغُ صِغْفِي وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيْبًا، وَ هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تَرْضَعُ صِغَارَهَا.

و وزن او حدوداً به دو برابر وزن انسان می رسد، و آن از حیوانات پستانداری است که به بچه هایش شیر می دهد.

نُورًا : إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ يُجِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ؟

نور: آن حیوان باهوشی است که کمک کردن به انسان را دوست دارد! آیا این طور نیست؟

الأبُ : نَعَمْ؛ بِالنَّاسِكِ، تَسْتَطِيعُ الدُّلْفَيْنُ أَنْ تَرْتَدِّدَنَا إِلَى مَكَانِ سُقُوطِ طَائِرَةٍ أَوْ مَكَانِ غَرَقِ سَفِينَةٍ.

پدر: بله، قطعاً، دلفین ها می توانند که ما را به محل سقوط هواپیمایی یا مکان غرق شدن یک کشتی هدایت کنند.

الأُمُّ : تُؤَدِّي الدُّلْفَيْنُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ، وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ مِنْ عَجَائِبٍ وَ أَسْرَارٍ،

مادر: دلفین ها نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می کنند، و آنچه را از شگفتی ها و اسرار زیر آب هست کشف می کنند. (شگفتی ها و اسرار زیر آب را کشف می کنند).

وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اِكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجَمُّعِ الْأَسْمَاكِ. وَ بَهِ اِنْسَانِ دَر كَشْفِ مَحَلِّ هَايِ تَجَمُّعِ مَاهِيهَا كَمَكِ مِي كَنْد.

صَادِقٌ : رَأَيْتُ الدُّلْفَيْنِ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعًا؟

صادق: دلفین ها را دیدم که حرکات گروهی انجام می دادند؛ آیا باهم صحبت می کنند؟

الأُمُّ : نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّهَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِأَسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ،

مادر: بله؛ در یک دانشنامه علمی خواندم که دانشمندان تاکید می کنند که آنها می توانند بایکدیگر صداهای مشخص صحبت کنند،

وَ أَنَّهَا تُعْنِي كَالطَّيْبُورِ، وَ تَبْكِي كَالْأَطْفَالِ، وَ تَصْفُرُ وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ.

و اینکه مانند پرندگان آواز می خوانند، و همچون بچه ها گریه می کنند، و مثل انسان سوت می زنند و می خندند.



نورا: هَلْ لِلدَّلَافِينِ أَعْدَاءٌ؟ نورا: آیا دلفین ها دشمنانی دارند؟

الأب: بِالتَّكْيِدِ، تَحْسَبُ الدَّلَافِينُ سَمَكَ الْفَرْشِ عَدَوًّا لَهَا، فَإِذَا وَقَعَ نَظَرُهَا عَلَى سَمَكَةِ الْفَرْشِ،

پدر: قطعاً، دلفین ها کوسه ماهی را برای خود یک دشمن به حساب می آورند، و هنگامی که نگاهشان به کوسه ماهی بیافتد،

تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا، وَ تَضْرِبُهَا بِأُتُوفِهَا الْحَادَّةِ وَتَقْتُلُهَا.

به سرعت اطرافش جمع می شوند، و بلبیبی های تیزشان آنها را می زنند و آنها را می کشند.

نورا: وَ هَلْ يُحِبُّ الدَّلَافِينُ الْإِنْسَانَ حَقًّا؟ نورا: آیا درحقیقت دلفین انسان را دوست دارد؟

الأب: نَعَمْ؛ تَعَالَى نَقْرًا هَذَا الْخَبَرَ فِي الْإِنْتَرِنْتِ ... سَحَبَ تَيَّارَ الْمَاءِ رَجُلًا إِلَى الْأَعْمَاقِ بِشِدَّةٍ،

پدر: بله، بیا این خبر را در اینترنت بخوانیم... جریان آب مردی را به شدت به اعماق (دریا) کشید،

وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ: رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةٍ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ

و مرد بعد از نجاتش گفت: ناگهان چیزی مرا با قدرت به سمت بالا برد، سپس مرا به ساحل کشاند

وَ لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي، مَا وَجَدْتُ أَحَدًا، وَلَكِنِّي رَأَيْتُ دَلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفُرُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ.

و هنگامی که تصمیم گرفتم از نجات دهنده ام تشکر کنم، کسی را نیافتم، اما دلفین بزرگی را دیدم که کنارم در آب با خوشحالی

می پرید.

الأُمُّ: إِنَّ الْبَحْرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ.

مادر: براستی دریا و ماهیها نعمت بزرگی از جانب خداوند هستند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): رَسُولُ خِذَا (ص) فَرَمُود:

النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءٍ عِبَادَةٌ: نَظَرُكَ فِي بَرَسَةِ شَيْءٍ عِبَادَةٌ:

النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ، نَظَرُكَ فِي الْقُرْآنِ

وَ النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ، وَ نَظَرُكَ فِي وَجْهِ پَدْر و مادر

وَ النَّظَرُ فِي الْبَحْرِ. وَ نَظَرُكَ فِي الْبَحْرِ. وَ نَظَرُكَ فِي الْبَحْرِ.

### الدَّرْسُ الثَّمَانِي (دَس هَشْتَم)

صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ صِنَعَتُ تَلْمِيْعِ دَرَادِيْبَاتِ فَارِسِي

إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لَعَةُ الْقُرْآنِ وَ الْأَحَادِيثِ وَ الدَّعْوِيَّةِ فَقَدْ اسْتَفَادَ مِنْهَا الشُّعْرَاءُ الْإِيرَانِيُونَ وَ أَنْشَدَ بَعْضُهُمْ أَيْبَاتًا مَمْرُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ وَ الْفَارِسِيَّةِ وَ سَمَّوْهَا بِالْمُلَمَّعِ؛

قطعاً زبان عربی زبان قرآن و احادیث و دعاهاست و بسیاری از شاعران ایرانی از آن استفاده کرده اند و برخی از آنها ابیاتی را آمیخته به عربی و فارسی سروده اند و آن را مُلَمَّع نامیده اند؛

لِكثِيرٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ مُلَمَّعَاتٍ، مِنْهُمْ حَافِظُ الشَّيرَازِيِّ وَ سَعْدِيُّ الشَّيرَازِيِّ وَ جَلَالُ الدِّينِ الرَّوْمِيُّ الْمَعْرُوفُ بِالْمَوْلَوِيِّ.

بسیاری از شاعران ایرانی مُلَمَّعاتی دارند از جمله: حافظ شیرازی و سعدی شیرازی و جلال الدین رومی معروف به مولوی.



مَلَمَعُ حَافِظِ الشَّيرَازِيِّ لِلسَّانِ الْغَيْبِ ( مَلَمَعُ لِسَانِ الْغَيْبِ حَافِظِ شِيرَازِي )

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه  
نامه ای با دل خونین برای محبوبم نوشتم "که من روزگار را در دوری تو مانند قیامت دیدم"  
دارم من از فراقش در دیده صد علامت  
من ازدوری او صدها نشانه در چشم دارم ، " آیا اشک های این دو چشم من ، نشانه و علامت بر ایمان نیست ؟ "  
هر چند کازمودم از وی نبود سودم  
هر چه که تجربه کردم ، از جانب او فایده ای به من نرسید " هر کس آزموده را بیازماید ، پشیمانی نصیبش می شود "  
پرسیدم از طیبی احوال دوست گفتا  
از طیبی درباره احوال محبوبم سوال کردم ، گفت : " در دوری و هجرانش رنج و عذاب و در نزدیکی اش سلامتی و آسایش است "

وَاللَّهِ مَا رَأَيْنَا حُبًّا بِلَا مَلَامَةٍ

گفتم ملامت آید گر گردد دوست کردم

گفتم اگر زیاد به دوست مشغول شوم مورد سرزنش واقع می شوم "به خدا سوگند که ما عشقی را بدون ملامت و سرزنش ندیدیم"

حَتَّى يَذُوقَ مِنْهُ كَأْسًا مِنَ الْكِرَامَةِ

حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین

حافظ درازاء دادن جان شیرین خواستار جامی شده است ، " تا از آن (دادن جان) ، جامی از کرامت عشق بچشد "

مَلَمَعُ سَعْدِيِّ الشَّيرَازِيِّ ( مَلَمَعُ سَعْدِي شِيرَازِي )

سَلِّ الْمَصَانِعَ رُكْبًا تَهَيِّمُ فِي الْفُلُواتِ  
تو قدر آب چه دانی که در کنار فُراتی  
از آب انبارها درباره سوارانی که در بیابان ها تشنه اند بپرس . تو قدر و ارزش آب را چه می دانی ، وقتی در کنار فرات هستی  
شَبْمٌ بِه رُوى تُو رُوْست و دِيده ام بِه تُو رُوْشَن  
وَأِنْ هَجَرْتَ سِوَاءَ عَشِيَّتِي وَ غَدَاتِي  
شبم با دیدن روی تو مثل روزاست و چشمم با دیدن روی تو روشن می شود. " و اگر مرا ترک کنی ، شب و روزم مساوی است "  
اگر چه دیر بمانم امید بر نگر فتم  
مَضَى الزَّمانَ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ آتِي  
گرچه مدت زیادی انتظار کشیدم ، اما امیدم را از دست ندادم ، " زمان گذشت و دلم می گوید که تو می آیی "  
من آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم  
اگر گلی به حقیقت عجیب آب حیاتی  
من انسانی به زیبایی تو نه دیده ام و نه شنیده ام ، اگر خمیر آفرینش تو از آب و گل است ، حقیقتاً آغشته به آب زندگانی است .  
شبان تیره امیدم به صبح روی تو باشد  
وَقَدْ تَفَنَّنْتُ عَيْنَ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ  
شب های تاریک من به امید دیدن روی تو صبح می شود، " و گاهی چشمه حیات در تاریکی ها جستجو می شود "  
فَعَمَّ تَمَرُّ عِشْيِي وَ أَنْتَ حَامِلٌ شَهْدِ  
جواب تلخ بدیع است از آن دهان نباتی  
چقدر زندگی را تلخ می کنی در حالی که تو این همه شهد و شیرینی داری ! از دهان شیرین تو جواب تلخ شنیدن زیباست !  
نه پنج روزه عمرست عشق روی تو ما را  
وَجَدْتُ رَائِحَةَ الْوَدِّ إِنْ شَمَمْتُ رُفَاتِي

عاشق روی تو بودن برای ما فقط این پنج روزه عمر دنیا نیست ، " اگر خاک قبرم را ببویی ، بوی عشق را می یابی "

محامد تو چه گویم که ماورای صفاتی

وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى

هرزیبا روی با نمکی را وصف کردم همانطور که دوست داری ومی پسندی " ستایش های تو را چگونه بیان کنم که فراتر از وصف کردن هستی "

که هم کمند بلایی و هم کلید نجاتی

أَخَافُ مِنْكَ وَ أَزْجُو وَ أَسْتَعِيْثُ وَ أَدْنُو

از تو می ترسم و به تو امید دارم و از تو کمک می خواهم و به تو نزدیکی می جویم " که هم دامگه بلا هستی و هم کلید نجات و رهایی هستی "

أَحِبَّتِي هَجْرُونِي كَمَا تَشَاءُ عِدَاتِي

ز چشم دوست فتادم به کامه دل دشمن

به دلخواه و خواست دشمن ، از چشم دوست افتادم و بی ارزش شدم ، " دوستانم مرا ترك کردند همان طور که دشمنانم می خواهند "

وَ اِنْ شَكُوْا اِلَى الطَّيْرِ نُحْنُ فِي الْوُكُنَاتِ

فراقنامه سعدی عجب که در تو نگیرد

شگفتا شرح نامه جدایی سعدی در تو اثر نمی کند! " و اگر به نزدیکان شکایت ببرم ، در لانه ها می گریند و ناله سر می دهند "



\* موفق باشید- امید \*

تابستان ۹۵

